خداحافظی فرامرز قریبیان از سینما
پس از درخشش در فیلم «خروج» حاتمی‌کیا

فرامرد

پرونده‌ای به بهانه نیم‌قرن حضور قریبیان در سینمای قهرمان‌محور همراه با گفت‌وگوهایی با ایرج راد، جهانگیر الماسی و محمد برادران

خداحافظی فرامرز قریبیان از سینما

قریبیان دیروز خبر خداحافظی خود از دنیای سینما را اعلام کرد و گفت: «معتقدم «خروج» بهترین کار من است. من بعد از فیلم «گناهکاران» در جشنواره شرکت نکردم. در ۷ سال اخیر هیچ فیلمنامه‌ای را قبول نکردم. دلم می‌خواست با یک فیلمنامه خاص کارم را خاتمه دهم. این آخرین فیلم من است و می‌خواهم از سینما خداحافظی کنم.»

محمدامین شکاری: نزدیک به ۸۰ سال پیش در خیابان ری ۲ پسر به فاصله چند ماه از هم به دنیا آمدند. این ۲ پسر بعدها رفاقت‌شان در محله و دبیرستان بدر سر آغاز مشارکت‌شان در چندین و چند شاهکار سینمای موج نوی ایران شد؛ یکی از آنها مسعود کیمیایی و دیگری فرامرز قریبیان بود. فرامرز قریبیان زمانی گفته بود از همان دبیرستان بدر با هم‌محله‌ای‌اش مسعود حرفه آینده‌شان را که سینما بود، انتخاب کرده بودند. رفاقت قریبیان و کیمیایی سرآغاز ورود این ۲ ستاره مهم به سینمای ایران نیز بود. قریبیان و کیمیایی پیش از انقلاب در ۴ کار با هم همکاری کردند که البته آقای بازیگر یکی از آنها را فاقد ارزش می‌داند و به نظرش آماتور است، با این حال ۳ فیلم دیگر بویژه «گوزن‌ها» همچنان جزو مهم‌ترین فیلم‌های پرونده کاری قریبیان و کیمیایی به شمار می‌رود. شمایل قریبیان در «گوزن‌ها» در نقش کاراکتر قدرت، چریک زخم‌خورده و فراری که برای در امان ماندن از چنگ نیروهای پلیس سراغ دوست سابقش «سید» می‌رود، تا سال‌های سال و چه‌بسا تا به امروز با قریبیان همراه بوده است.

قریبیان که پیش از انقلاب در کنار فیلم «گوزن‌ها»، در فیلم‌های «خاک»، «غزل» و «سایه‌های بلند باد»، دیگر آثار مهم سینمای موج نوی ایران حضوری چشمگیر داشت، در سینمای پس از انقلاب هم خوش درخشید، به‌گونه‌ای که حتی کارنامه فیلم‌های پس از انقلاب او بسیار رنگین‌تر و پربارتر از گذشته‌اش است. دهه ۶۰ آغاز جدی سینمای پس از انقلاب، برای قریبیان مهم‌ترین دهه کارنامه کاری‌اش بود. او در آن سال‌ها در کنار بازی در بسیاری از فیلم‌های مهم و پرفروش سینمای ایران مانند «سفیر»، «سناتور»، «آوار»، «ترن»، «کانی مانگا»، «مرگ پلنگ» و... در بسیاری از کارهای کمتر شناخته‌شده از سوی کارگردان‌های متوسط نیز ظاهر شد. خود قریبیان این انتخاب‌ها را البته آگاهانه توصیف کرده و معتقد است یک بازیگر نباید در دوران جوانی خودش را کنار بکشد، بلکه باید جلوی دید مردم باشد. از میان فیلم‌های مهم دهه ۶۰ قریبیان، همان دهه‌ای که شمایل قهرمان‌گونه او بیش از پیش شکل گرفت، «سفیر» اولین دستاورد مهم و جدی او به حساب می‌آید. فرامرز قریبیان در این فیلم تاریخی در نقش قیس بن‌مسهر- نامه‌رسان میان امام حسین(ع)، اهالی کوفه و مسلم بن‌عقیل- سکانس سخنرانی پرشوری علیه یزید و همراهانش دارد که بدون تردید از نقاط اوج بازی او در این فیلم و البته کارنامه بازیگری‌اش به شمار می‌آید. قریبیان پس از قیس بن‌مسهر در سومین سال دهه ۶۰ با نقش «استوار حقگو» در فیلم «سناتور» بار دیگر ردای یک قهرمان را به تن کرد. او در این فیلم نیز همچون قدرت «گوزن‌ها» و قیس بن‌مسهر «سفیر» چشمش را روی بی‌عدالتی نمی‌بندد و به قیام علیه ظلم برمی‌خیزد؛ تمی که در میان کارهای قریبیان و البته سینمای دهه ۶۰ ایران زیاد به چشم می‌خورد. قریبیان در سال ۶۵ تصمیم گرفت اولین فیلم خود در مقام کارگردان را با نام «جدال در تاسوکی» با موضوع مصائب یک معلم جوان در روستای دورافتاده‌ای در استان سیستان‌وبلوچستان بسازد. اواسط دهه ۶۰ خورشیدی دیگر نام قریبیان به عنوان بازیگر، ضامن موفقیت فیلم‌ها در گیشه بود. او سال ۶۶ با حضور در ۲ فیلم «ترن» و «کانی‌مانگا» و همین‌طور فیلم «کمینگاه» هم نظر منتقدان و هم نظر مردم را نسبت به بازی خود جلب کرد. «ترن» که باز هم با موضوع آشنای آن سال‌ها، یعنی ایستادگی در برابر ظلم ظالمان حکومت گذشته ساخته شد، برای قریبیان در جشنواره نوپای فجر خوش‌یمن بود. قریبیان در «ترن» برای ایفای نقشی سالخورده‌تر از سن واقعی‌اش نخستین‌بار پس از انقلاب از سوی منتقدان تجلیل شد و نخستین سیمرغ بلورین سینمایی‌اش را دریافت کرد. دیگر اثر موفق قریبیان در سال ۶۶ «کانی مانگا» بود؛ فیلمی که به مدد وسواس و دقت سیف‌الله داد در خلق صحنه‌های اکشن، به عنوان یک اثر خوش‌ساخت جنگی در سینمای ایران شناخته می‌شود. بازیگر باسابقه سینمای ایران دهه ۷۰ را نیز همچون ۲ دهه گذشته با حضور در نقش شخصیت‌های قهرمان ضدسیستم آغاز کرد. او ابتدا در سال ۱۳۷۰ در درام زندانی «تبعیدی‌ها» فیلمی که داستانش کمی یادآور شاهکار این سبک یعنی «پاپیون» است، در کنار هادی اسلامی یکی دیگر از ستاره‌های دهه ۶۰ سینمای ایران در قامت آزادی‌خواهان تبعیدی حاضر شد. قریبیان همان سال در آغاز دهه ششم زندگی‌اش در کمدی «دو نفر و نصفی» نیز یک تجربه متفاوت را از سر گذراند. «دو نفر و نصفی» جنبه‌های عاطفی شخصیت قریبیان در فیلم‌های قبلی‌اش مانند «سناتور» را که حوادث قصه مجال آنچنانی برای بروزشان نداده بود، بیش از پیش پررنگ کرد. سال ۷۰ اما برای قریبیان با همین دو کار به پایان نرسید. مهم‌ترین فیلم او در آن سال «ردپای گرگ» بود. «ردپای گرگ» که در آن قریبیان پس از یک دهه و نیم دوباره به دنیای فیلم‌های رفیق صمیمی‌اش مسعود کیمیایی بازگشت، داستان رضا (با بازی قریبیان) است که پس از ۲۰ سال از زندان بازگشته و به دیدار نامزد سابق (گلچهره سجادیه) و رفیق قدیمی‌اش (منوچهر حامدی) که موجب به زندان افتادنش شده است، می‌رود. سکانس اسب‌سواری رضا در خیابان‌های تهران فصل به یادماندنی و استعاری «ردپای گرگ» است؛ انسان‌های اصیل و قدیمی که گویا دیگر متعلق به این زمانه نیستند. یک سال بعد قریبیان با فیلم معمایی «بندر مه‌آلود» ساخته امیر قویدل بار دیگر به نقش مامور قانون در آمد؛ خود قریبیان ریشه علاقه‌اش به حضور در فیلم‌های پلیسی را نشأت گرفته از تماشای فیلم‌های پلیسی و وسترن در نوجوانی می‌داند. در آن سال قریبیان دومین سیمرغ بلورینش را برای «بندر مه‌آلود» کسب کرد، سیمرغی که البته خودش معتقد است برای «ردپای گرگ» گرفته و برای اینکه شخصیت یک چاقوکش جایزه را نبرده باشد، «بندر مه‌آلود» را شایسته این جایزه اعلام کردند! در ادامه دهه ۷۰، قریبیان اغلب در نقش مردان شجاع و بی‌باک در پروژه‌های تجاری موفق ظاهر شد. او در این دهه ۲ بار هم در جایگاه خالق اثر، فیلم‌های «قانون» و «چشم‌هایش» را کارگردانی کرد. با این حال قریبیان دهه ۷۰ را با یکی از موفق‌ترین آثار کارنامه کاری‌اش یعنی فیلم «مرد بارانی» که سال ۱۳۷۸ روی پرده سینماها رفت به پایان رساند. این فیلم با وجود شباهت نامش با فیلم برنده جایزه اسکار بری لوینسون، هیچ قرابت داستانی با آن فیلم ندارد. در «مرد بارانی» ابوالحسن داوودی، قریبیان در نقش دکتر بارانی با وجود جایگاه بالای اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای چه در زندگی کاری و چه در زندگی شخصی مواجه است، جنبه‌های پیچیده کاراکتر دکتر بارانی در این فیلم با آمدن شخصیت زیبا با بازی مهتاب کرامتی و تداعی خاطرات گذشته، بروز و ظهور بیشتری می‌یابد. قریبیان سومین سیمرغ بلورینش را برای ایفای این نقش در سال ۱۳۷۸ کسب کرد تا در آن زمان تبدیل به پرافتخارترین بازیگر مرد سینمای ایران در جشنواره فیلم فجر شود. پس از موفقیت «مرد بارانی»، فرامرز قریبیان به فاصله ۲ سال در ۲ فیلم «رقص در غبار» و «شهر زیبا» از ساخته‌های اصغر فرهادی بازی کرد. ۳ سال بعد از «شهر زیبا» در سال ۱۳۸۵ زوج قریبیان-کیمیایی برای سومین‌بار پس از انقلاب و برای هفتمین‌بار در طول زندگی این دو رفیق و بچه محل دیرین با هم همکار شدند. این فیلم «رئیس» نام داشت. «رئیس» البته همچون «تجارت» ششمین همکاری آنها، نشانی از آثار موفق گذشته این دو هنرمند را نداشت و البته پایان‌بخش مشارکت هنری قریبیان-کیمیایی هم شد. «کارناوال مرگ»، «آلزایمر» و «گناهکاران» فیلم‌های شناخته شده بعدی کارنامه قریبیان تا به امروز هستند. حالا فرامرز قریبیان پس از چند سال دوری از بازیگری در سالی که در سینمای جهان رابرت دنیرو و آل‌پاچینو، ۲ بازیگر محبوب زندگی‌اش با «مرد ایرلندی» دوباره روزهای خوش گذشته را تداعی کرده‌اند، در آستانه ۸۰ سالگی به دنیای سینما بازگشته تا آواز قوی خود را با فیلم کنجکاوی‌برانگیز «خروج» اثر ابراهیم حاتمی‌کیا سر دهد. قطعا اگر بخواهیم یکی از مهم‌ترین اتفاقات جشنواره فجر امسال را نام ببریم، بازگشت قریبیان ستاره سینمای موج نو و قهرمان بسیاری از فیلم‌های درجه یک سینمای ایران است. بازیگری که بازگشت این روزهایش به سینما ما را به یاد فصل به یادماندنی دیالوگ‌های سید خطاب به قدرت در «گوزن‌ها» می‌اندازد: «وقتی رفتی نفهمیدیم کی رفته حالا که اومدی می‌فهمیم کی اومده، هنوزم کم حرف می‌زنی، هنوزم ماتی، هنوز تو چشات عشقه... صفای قدمت».

ایرج راد در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

فرامرز برای انتقال حس واقعا تلاش می‌کند

«گردباد» فیلمی به کارگردانی کامران قدکچیان، نویسندگی علیرضا داوودنژاد است که در آن شاهد نقش‌آفرینی فرامرز قریبیان و ایرج راد در کنار یکدیگر بودیم. در پی این همکاری، این بار سراغ ایرج راد رفته‌ایم تا از زبان او درباره مشی و مرام فرامرز قریبیان و همچنین جایگاه این بازیگر در تقویم تاریخی سینمای کشور بشنویم.

***

■ **آقای قریبیان همواره از چهره‌های دارای سبک و صاحب اسلوب در عرصه بازیگری بوده است و امروز از جمله بازیگران باتجربه‌ای به شمار می‌رود که حضورش در عرصه سینما غنیمتی بزرگ بویژه برای جوانان است. این بازیگر که در زمره نسل طلایی بازیگران سینمای ایران به شمار می‌رود، امسال و در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا بر پرده نقره‌ای ظاهر خواهد شد. به عقیده شما عامل اصلی ماندگاری و موفقیت چنین هنرمندی در عرصه خطیر سینمای ایران چه بوده است؟**

شاخصه اصلی یک هنرمند، علاقه و عشق به کار است، ضمن اینکه صداقت، صفا و صمیمیت در کار نیز بسیار مهم است؛ مضاف بر اینکه فرامرز قریبیان هرگز به وظیفه محول‌شده در امر بازیگری نگاه سطحی نداشته و صرفا بخاطر شهرت و پول در پی این عرصه نبود؛ البته این مهم باید در وجود هر هنرمندی از هر عرصه‌ای باشد. به هر تقدیر عشق و علاقه درونی به مسائل فرهنگی و هنری موجب شد فردی همچون فرامرز قریبیان در زمینه فعالیت خود بخوبی حرکت کند و مخاطبان هم همواره با بازی‌های او ارتباط خوبی برقرار کنند، البته که مراحل کسب تجربه و دانش توسط فرامرز قریبیان را باید از زبان خودِ او شنید اما من یقین دارم آنچه امروز از این بازیگر توانمند سینمای ایران به خاطر مانده است، ماحصل سال‌ها تلاش و ممارست شبانه‌روزی بوده و قریبیان با تحلیل تجارب و دانش خود، تمام سعی خود را به کار بسته تا همواره بهترین اتفاق را در برابر دوربین کارگردانان و فیلمسازان رقم بزند.

■ **همواره از نظم و انضباط خاص فرامرز قریبیان در میان اهالی سینما صحبت می‌شود. شما که با او همبازی بوده‌اید در این باره چه نظری دارید؟**

وقت‌شناسی و در حقیقت وقت صرف کردن برای کار بسیار مهم است. او به دور از مسائل حاشیه‌ای و خالص و مخلص در تمام لحظاتی که من شاهد بوده‌ام حضور داشته است. فرامرز قریبیان انسانی وارسته و به دور از هرگونه ادا و اصول است که متأسفانه در نسل‌های بعدی بازیگران کمتر دیده شد. این بازیگر همراه و همگام با سایر عوامل گروه، تلاش می‌کند با سایر همکاران رفتار مناسب داشته باشد. فرامرز شخصیتی مؤدب با خلقیات فوق‌العاده انسانی است و من در پی یک همکاری با او در فیلم «گردباد» تمام این ویژگی‌ها را عینا دیدم و هرگز از هیچ فرد دیگری خلاف باور خود درباره فرامرز قریبیان را نشنیده‌ام. یکی از ویژگی‌های بارز قریبیان این است که برای انتقال حسش در فیلم واقعا تلاش می‌کند.

■ **به نظر شما در عرصه سینما، آنگونه که باید و شاید قدر سرمایه‌هایی همچون فرامرز قریبیان دانسته می‌شود؟**

از کسانی که سال‌ها زحمت کشیده و در موقعیت‌های خاص با امکانات محدود توانسته‌اند به سینما و کار تصویری که مخاطبان اصلی آن مردم بوده‌اند، خدمت کنند و همچنین پایه‌گذاری برای نسل‌های بعدی خود باشند، هر قدر هم قدردانی شود و جایگاه ویژه‌ای برای‌شان در نظر بگیریم کم است. هنرمندانی همچون فرامرز قریبیان پایه‌گذار منش، رفتار، حرکت و جایگاهی بودند که اگر این پایه و اساس درست نبود، ادامه این راه به نتیجه‌ای نمی‌رسید، کما اینکه اگر هنرمندانی همچون قریبیان به دور از حاشیه‌ها آن سال‌های طلایی سینمای ایران را رقم نمی‌زدند، ما امروز شاهد موفقیت‌های بعدی نبودیم. چه‌بسا بازیگرانی که راهی متفاوت با مسیر طی شده توسط فرامرز قریبیان‌ها را رفتند، نتوانستند آنگونه که باید خود را در دل مردم محبوب نگه دارند و در خاطر و تصور مردم بمانند و قادر نبودند صادقانه و صمیمانه با مردم ارتباط برقرار کنند. این بازیگران ممکن است در مدت کوتاهی جایگاهی پیدا کنند اما این امر ماندگار نیست. شخصیت آقای قریبیان در وهله نخست سبب شد همواره در یادها باقی بماند.

■ **شما با فاصله سنی ۴ سال از آقای قریبیان، از بازیگران یک نسل به شمار می‌روید. یکی از نقاط و نکات مشترک میان هر دوی شما، تحصیلات آکادمیک در زمینه هنر بازیگری بوده است. به‌زعم شما، پشتوانه حاصل از کسب این دانش تخصصی تا چه اندازه توانست هر دوی شما را در عرصه سینما به‌درستی همراهی کند؟**

طبیعی است اگر بخواهیم در عرصه‌ای ماندگار شویم، باید دانش آن حرفه را کسب کنیم. درست است که در زمانی دور، این دانش نسل‌به‌نسل و سینه‌به‌سینه منتقل می‌شد اما امروز هر هنری به لحاظ امکانات آموزش و فراگیری از تنوع قابل‌توجهی برخوردار است که بدون کسب آن دانش و تخصص نمی‌توان به موفقیتی دست یافت، البته که در زمینه بازیگری، داشته‌ایم افرادی را که بدون طی کردن مدارج تحصیلی تحت نظر اساتید جایگاهی پیدا کرده‌اند اما اینها استثنا بوده‌اند و قاعده نیستند.

ما باید بر اساس اصولی که وجود دارد بتوانیم زمینه‌ساز موفقیت باشیم و برای رسیدن به این نتیجه باید آموزش‌های لازم را داشته باشیم. هر قدر در این زمینه به کسب دانش و تجربه بپردازیم، موفقیت‌های بیشتری حاصل خواهد شد، البته بدون شک پشتکار یکی از واژگان کلیدی و رموز اصلی موفقیت برای هنرمندانی همچون فرامرز قریبیان به شمار می‌رود.

■ **سخن پایانی شما خطاب به بازیگران جوان در امر پیروی از راه و مسیر بازیگران ماندگاری همچون فرامرز قریبیان چیست؟**

تواضع در برابر بزرگان، یک معیار و رکن اخلاقی به شمار می‌رود. مجدد تأکید می‌کنم فرامرز قریبیان همواره به دور از هر گونه افاده و تکبر در عرصه سینما حضور داشته و این تشخص و مرام باید مهم‌ترین درسی باشد که بازیگران جوان امروز و فردای سینمای ایران از این هنرمند بگیرند.

جهانگیر الماسی در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

قریبیان برای من مثل کلینت ایستوود است

جهانگیر الماسی، این روزها با فیلم «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. او در این فیلم در نقشی متفاوت ظاهر شده و برای پنجمین‌بار است که در مقابل قریبیان قرار گرفته و با او همکاری کرده است. در پرونده «وطن امروز» در همین راستا با او گفت‌وگویی کوتاه داشتیم.

***

■ **همکاری با ابراهیم حاتمی‌کیا چطور بود؟ خصوصیات و ویژگی‌های رفتاری او و هنگام کار چگونه است؟**

حاتمی‌کیا آدم صادق و شریفی است تا جایی که هیچگاه برای موقعیت‌های برتر حاضر نیست ریا کند. این مسأله حتی در ارتباطات خصوصی و چند لحظه‌ای که ممکن است هر فردی با او داشته باشد مشهود است. خودش را از ورطه انسانی پیچیده و دست‌نیافتنی رهانیده و فردی سرشار از عواطف انسانی است که می‌توان این امر را در مواجهه و ارتباط با خانواده‌اش دید. خانواده سالمی دارد و در روابط با دیگران فاقد هر غل و غشی است. با این فرض که برای هر کارگردانی بر حسب فعالیت، موقعیتی مترقی در آینده کاری تصور می‌شود اما حاتمی‌کیا هیچگاه در حال جستن راهی که خیلی زودتر خود را به آن برساند، نیست. او دارای استقلال فکری است و باید بگویم جزو معدود کارگردانانی است که اعتقادات خود را همواره به زبان می‌آورد و هیچگاه اهل ریا نیست. به نظرم حاتمی‌کیا از جمله کارگردانانی است که باید مورد حمایت بیشتر قرار گیرد، چرا که نسل او با این باور و اعتقاد باید تکثیر شود و خط فکری و نوع نگاه او به سینما باید در نسل‌های بعدی سینما نیز تداوم یابد.

■ **در این فیلم شاهد بازی آقای قریبیان هستیم؛ هنرمندی که مدتی از سینما به دور بود؛ این همبازی بودن برای شما چگونه بود؟**

قریبیان ۵ سال از بازی در سینما دور بود و من ۱۴ سال. به نظر من این وقفه‌ها غیبت و دوری از سینما محسوب نمی‌شود، چرا که ممکن است در این سال‌ها پیشنهاداتی برای بازی شده باشد اما مطابق میل و سلیقه و در شأن بازیگر پیشکسوتی همچون قریبیان نباشد. قریبیان همواره سهمی ویژه از سینمای ایران داشته است و من بسیار خرسندم که در پنجمین همکاری دوباره با او همبازی شدم. من نخستین بازی خود در سینما را در فیلم «ریشه در خون» با او تجربه کردم؛ تنها تفاوتی که قریبیان با آن سال‌ها دارد پا به سن گذاشتنش است که البته هم شیرین است و هم تلخ، چرا که ممکن است دیگر شاهد آن طراوت و سرزندگی در سبک بازی او نباشیم. به هر حال هر زمان قریبیان را در این سن و سال می‌بینیم یاد فردی همچون کلینت ایستوود می‌افتم که چقدر پیر شده است و این مسأله کمی مرا ناراحت می‌کند ولی در عین حال از اینکه می‌بینم او در ۸۰ سالگی هم کارگردانی می‌کند و هم بازی، این برایم خوشایند است. امیدوارم قریبیان هم همچنان تا ۱۰۰ سالگی مشغول بازی و فیلمسازی باشد.

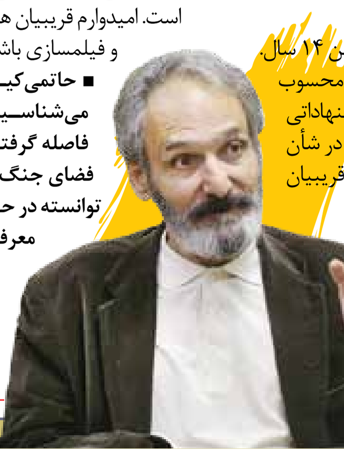

■ **حاتمی‌کیا را بیشتر با سینمای دفاع‌مقدس می‌شناسیم اما چند سالی است که از این فضا فاصله گرفته و به سمت ساخت آثاری مرتبط با فضای جنگ رفته است؛ به نظر شما او تا چه اندازه توانسته در حوزه ژانرهای دیگر خود را صاحب سبک معرفی کند؟**

او فیلم غیر دفاع مقدسی نیز داشته و بخوبی از پس آنها نیز برآمده است. با این حال باید گفت سینما یک ابزار است و مانند حروف الفبا که هر کس به طریقی با آن چیزی را بیان می‌کند، کارکرد دارد. سینما ابزاری تکنیکال است و فردی که به آن می‌پردازد باید مسلط بر این زبان بیانی باشد. خوشبختانه حاتمی‌کیا نشان داده است چه در سینمای آنالوگ و نگاتیو و چه در سینمای دیجیتال خود را بخوبی مجهز به این سیر تحول تکنولوژی در سینما کرده است. او به آنچه می‌اندیشد عمل می‌کند و بسیار وقت‌شناس و با برنامه است و تغییر در شرایط نمی‌تواند بر طراحی او در دکوپاژ و جزئیات فیلم کوچک‌ترین خللی وارد کند. این را از روی غلو و چاپلوسی نمی‌گویم، بلکه چیزی است که در جریان فیلمبرداری این فیلم دیدم. همه آنچه بر این فیلم گذشت حاصل یک نظم فکری از سوی کارگردان بود که یقینا در تمام آثار او نیز تا به امروز مشهود بوده است.

مروری بر کارنامه کاری و موفقیت‌های ابراهیم حاتمی‌کیا در دوره ۳۰ ساله فعالیتش در سینما

پرواز حاتمی‌کیا بالاتر از سیمرغ‌ها

ابراهیم حاتمی‌کیا در زمره پرافتخارترین سینماگران ایرانی است؛ فیلمسازی که کارنامه کاری‌اش پر است از جوایز مختلفی که جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی و غیرسینمایی به او داده‌اند، البته که بزرگ‌ترین افتخار برای هر فیلمسازی آن است که مردم او و آثارش را دوست داشته باشند و با آن ارتباط برقرار کنند که تا اینجای کار ابراهیم حاتمی‌کیا در این زمینه موفق بوده است. در ادامه مروری بر کارنامه کاری حاتمی‌کیا تا پیش از ساخت اثر جدیدش یعنی «خروج» خواهیم داشت.

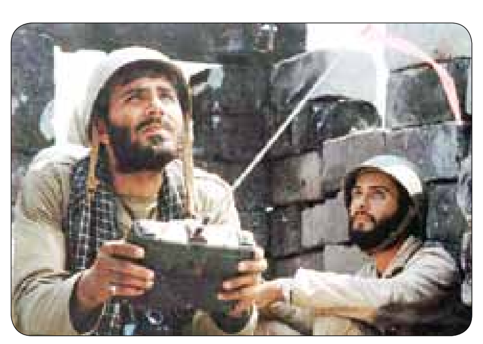

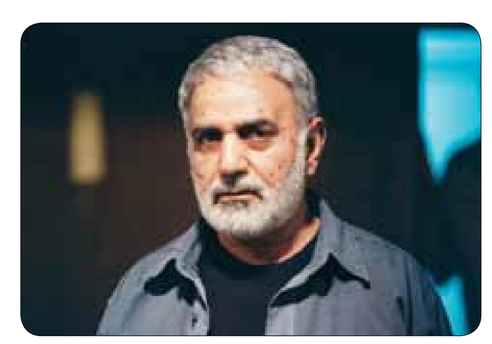

65 هویت
خلاصه قصه: «هویت» اولین فیلم بلند حاتمی‌کیا است که با آن خود را به سینمای ایران معرفی کرد. این فیلم داستان یک پسر جوان است که در راه بازگشت از شمال تصادف می‌کند و...

67 دیده‌بان
مهم‌ترین جوایز: «دیده‌بان» برنده جایزه ویژه هیات داوران از هفتمین جشنواره فیلم فجر و سیمرغ بلورین بهترین فیلم دوم در بخش فیلم‌های اول و دوم شد.

68 مهاجر
مهم‌ترین جوایز: ۵ سیمرغ بلورین هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر دستاورد حاتمی‌کیا و همکارانش از ساخت این فیلم بود که مهم‌ترین آنها سیمرغ بلورین بهترین فیلم بود. همچنین دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه نیز برای این فیلم به وی داده شد.

72 از کرخه تا راین
مهم‌ترین جوایز: برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم و نامزد سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه یازدهمین دوره جشنواره فیلم فجر

70 وصل نیکان
مهم‌ترین جوایز: برنده دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه چهارمین دوره جشنواره فیلم دفاع‌مقدس

72 خاکستر سبز
مهم‌ترین جوایز: برنده دیپلم افتخار بهترین موسیقی متن (پاول هرتل) در دوازدهمین دوره جشنواره فیلم فجر و برنده سیمرغ بلورین بهترین عکس (حافظ احمدی) در سیزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر

74 بوی پیراهن یوسف
مهم‌ترین جوایز: این فیلم در ۳ رشته از چهاردهمین جشنواره فیلم فجر نامزد دریافت سیمرغ شد.

74 برج مینو
مهم‌ترین جوایز: برنده سیمرغ بلورین بهترین آنونس در پانزدهمین دوره جشنواره فیلم فجر و کاندیدای ۳ جایزه بهترین کارگردانی، بهترین فیلمبرداری و بهترین صدابرداری در ششمین دوره جشنواره دفاع مقدس

76 آژانس شیشه‌ای
مهم‌ترین جوایز: پرافتخارترین فیلم حاتمی‌کیا که برنده ۹ سیمرغ بلورین شانزدهمین جشنواره فیلم فجر شد و مهم‌ترین آنها ۳ سیمرغ بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه بود.

78 روبان قرمز
مهم‌ترین جوایز: سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی بخش بین‌الملل، سیمرغ بلورین نقش اول زن بخش بین‌الملل، سیمرغ بلورین بهترین تدوین بخش مسابقه سینمای ایران و دیپلم افتخار بهترین فیلمبرداری

79 موج مرده
خلاصه قصه: سردار مرتضی راشد از فرماندهان نیروی دریایی که در آستانه بازنشستگی قرار دارد، درصدد گرفتن انتقام از ناو آمریکایی وینسنس است. حبیب فرزند وی به علت دوری از پدر در دوران جنگ و کمبود محبت پدری روحیاتی متفاوت با پدرش دارد، حین فرار از مرز آبی کشور به همراه دختری محلی به اسم سلما توسط گارد ساحلی دستگیر می‌شود و پدرش او را جهت تنبیه به کشتی سوخته میان دریا منتقل می‌کند...

81 ارتفاع پست
مهم‌ترین جوایز: برنده سیمرغ بلورین فیلم منتخب تماشاگران (ابراهیم حاتمی‌کیا) دوره ۲۰ جشنواره فیلم فجر و کاندیدای بهترین فیلم و بهترین بازیگر نقش اول مرد در این جشنواره

83 به رنگ ارغوان
مهم‌ترین جوایز: برنده سیمرغ بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه و بهترین فیلمبرداری از بیست‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر

84 به نام پدر
مهم‌ترین جوایز: برنده ۴ سیمرغ بلورین از بیست‌وچهارمین دوره جشنواره فیلم فجر که مهم‌ترین آن سیمرغ بهترین فیلم بود.

89 گزارش یک جشن
مهم‌ترین جوایز: این فیلم در بیست‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر (۱۳۸۹) در ۲ بخش بهترین صدابرداری (آرش برومند) و بهترین طراحی صحنه و لباس (سارا سمیعی) نامزد سیمرغ بلورین بود.

87 دعوت
خلاصه قصه: قصه اصلی این فیلم پرستاره و جنجالی پیرامون مسأله سقط جنین است. منتقدین معتقد بودند دعوت فیلمی از جنس حاتمی‌کیا نیست.

92 چ
مهم‌ترین جوایز: برنده ۵ سیمرغ بلورین از سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر و نامزد ۳ سیمرغ از جمله بهترین فیلم و بهترین کارگردانی این جشنواره

94 بادیگارد
مهم‌ترین جوایز: برنده بهترین بازیگر نقش اول مرد و بهترین جلوه‌های ویژه میدانی و جلوه‌های ویژه بصری سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر

96 به وقت شام
مهم‌ترین جوایز: برنده سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی، بهترین موسیقی متن و بهترین صداگذاری سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر

حاتمی‌کیا چگونه در شخصیت قهرمان فیلم‌هایش ظهور کرده است

بیستمین خروج

«هویت» اولین فیلم بلند کارنامه حاتمی‌کیاست که محصول ۱۳۶۵ است. در سال ۱۳۶۶ فیلمنامه «جزیره گمشده» را که سرگذشت یک عکاس و خبرنگار تلویزیون است که از جنگ می‌ترسد ولی از خط اول جبهه سر درمی‌آورد، به نگارش درمی‌آورد. سال ۶۷ نقطه عطف فیلمسازی ابراهیم حاتمی‌کیاست. او در حالی که فیلمنامه «فرمان موج» را به نگارش درآورده، فیلمنامه «دیده‌بان» را می‌نویسد و خودش آن را کارگردانی می‌کند؛ فیلمی که به‌زعم برخی منتقدان اتفاقا مهم‌ترین فیلم یا جزو مهم‌ترین فیلم‌های کارنامه سینمایی حاتمی‌کیاست. در همان سال، در دوره فیلمنامه‌نویسی دانشگاه هنر در رشته سینما شرکت می‌کند. «مهاجر» محصول ۱۳۶۹، اولین حساسیت‌ها را درباره حاتمی‌کیا برانگیخت. او در گفت‌وگویی درباره یکی از سکانس‌های این فیلم می‌گوید: «در یک سکانس، فرمانده زیر گوش زیردستی خودش می‌زند. مسؤولان وقت برآشفتند و گفتند این صحنه وهن رزمندگان است و باید حذف شود. من حذف نکردم و مقاومت‌های من از آن روز شروع شد». در سال ۱۳۷۰، «وصل نیکان» را می‌سازد. «از کرخه تا راین» محصول ۲ سال بعد است: ۱۳۷۲. حاتمی‌کیا با اشاره به ممیزی‌هایی که ارشاد به این فیلم داشته گفته است: «یک صفحه A4 لیست حذف به من دادند». در همان سال (۱۳۷۲) دوره فیلمنامه‌نویسی‌اش با پایان‌نامه‌ای پیرامون «نئورئالیسم ایتالیا» به اتمام می‌رسد. فیلمنامه «اسکادران عشق» را یک سال بعد می‌نویسد؛ سالی که «خاکستر سبز» را نیز در رابطه با جنگ بوسنی از خود به یادگار می‌گذارد. در ۱۳۷۴ دو فیلم مهم می‌سازد. هر دوی این فیلم‌ها به فیلم‌های مهم دفاع‌مقدس بدل می‌شوند. نگارش و تولید «بوی پیراهن یوسف» و «برج مینو» در این سال اتفاق می‌افتد. بوی پیراهن یوسف یکی از تحسین‌برانگیزترین ساخته‌های ابراهیم حاتمی‌کیا که هر ساله در ایام بازگشت آزادگان از شبکه‌های سیما پخش می‌شود و بسیاری آن را به تماشا نشسته‌اند، حکایت خواهری است به نام «شیرین» که از خارج بازگشته تا شاید میان آزادگان از برادرش «خسرو» خبری بیابد. «غفور» شخصیت دیگر داستان است که او هم منتظر «یوسف» خویش است و داستان انتظار این دو به هم گره می‌خورد. محمدرضا روحانی در کتاب «ابراهیم حاتمی‌کیا، فیلمساز مولف» در توصیف فضای نمادین این فیلم می‌نویسد: «حاتمی‌کیا در بوی پیراهن یوسف، تمام فیلم را در سیاهی شب می‌گیرد. این تاریکی و تیرگی نمادین است. می‌تواند مقطعی باشد و اشاره‌ای به شرایط ویژه موجود باشد در همان یکی دو سال ساخته شدن فیلم و می‌تواند زمان‌شمول‌تر باشد و به عدم حضور شهدا در جامعه اشاره کند... اما اسرا بازمی‌گردند. اسرا از بازماندگان همان نسل هستند و برای حاتمی‌کیا قابل احترام. دوربین او اسرا را از پایین کادر می‌گیرد، یعنی او آنها را بزرگ می‌شمارد... وقتی قرار است اسرا بازگردند، خورشید می‌آید و روز می‌شود. پس از صحنه تونل، اسرا بازمی‌گردند و همه‌چیز در روز تصویر می‌شود. ۲ سال بعد از «بوی پیراهن یوسف»، «آژانس شیشه‌ای» در جشنواره فجر سال ۷۶، در اولین جشنواره دوره اصلاحات، روی پرده می‌رود؛ فیلمی که بر پایه چند نظرسنجی عنوان بهترین فیلم ایرانی پس از انقلاب را از آن خود کرده است. این فیلم در جشنواره شانزدهم فیلم فجر، برنده ۹ سیمرغ بلورین و رکورددار بردن سیمرغ در ادوار جشنواره فجر شد. حاتمی‌کیا در کنفرانس مطبوعاتی این فیلم رئیس‌جمهور وقت را خطاب قرار داد و گفت: «در دوران مدنیت، آرمان‌خواهی چه می‌شود؟» این فیلم اگرچه با مشکلات و موانعی در ساخت و اکران مواجه شد، اما به یکی از پرفروش‌ترین آثار زمان خود تبدیل شد و تحسین مردم و منتقدان را به همراه داشت. یک سال بعد از غوغای آژانس، فیلم متفاوت «روبان قرمز» را در فضایی تقریبا بدیع در ژانر مورد علاقه‌اش یعنی جنگ و سینمای دفاع‌مقدس می‌سازد. این فیلم در جشنواره‌های خارجی فراوانی شرکت داده شد. کارگردانی «موج مرده» به تهیه‌کنندگی روایت فتح در سال ۷۹ باعث می‌شود او شرایط ناخوشایندی را در فیلمسازی تجربه کند. حاتمی‌کیا در اعتراض به سانسور فیلمش توسط تهیه‌کننده در جلسه مطبوعاتی نمایش فیلم، تکه‌های بریده شده (سانسور شده) فیلم را به خبرنگاران نشان داد. این رفتار حاتمی‌کیا به عنوان یکی از عجیب‌ترین واکنش‌ها در اعتراض به سانسور، در تاریخ جشنواره فجر ماندگار شد. یک سال بعد یک سوژه واقعی برای کارگردانی پیدا می‌کند. ربودن خانوادگی یک هواپیما به خاطر مشکلات اقتصادی! در ۱۳۸۰ او «ارتفاع پست» را کارگردانی می‌کند؛ تنها فیلمی که روی پوسترش در کنار نام حاتمی‌کیا نام فرد دیگری به عنوان فیلمنامه‌نویس به چشم می‌خورد: اصغر فرهادی. این فیلم در عین حال که از سوی برخی مجامع رسانه‌ای با انتقادات فراوانی همراه شد، توسط گروه‌های دیگری از منتقدان با استقبال مواجه شد. اولین تجربه سریال‌سازی حاتمی‌کیا به «خاک سرخ» بازمی‌گردد. او در ۱۳۸۱ «خاک سرخ» را برای شبکه یک سیما کارگردانی کرد. مهدی سجاده‌چی و مسعود بهبهانی‌نیا متن این سریال را نوشتند. «خاک سرخ» به یکی از آثار ماندگار تلویزیون در حوزه دفاع‌مقدس تبدیل شد. در همان سال (۱۳۸۱) او به عنوان یکی از ۱۰ فیلمساز برتر تاریخ سینمای ایران در رای‌گیری ۵۵ منتقد و فیلمشناس ایرانی انتخاب می‌شود. «به رنگ ارغوان» یکی از پر سروصداترین فیلم‌های ابراهیم حاتمی‌کیا، در ۱۳۸۳ ساخته شد اما در این سال به نمایش در نیامد. این فیلم به خاطر اشاراتی که به سیستم اطلاعاتی کشور داشت، از دولت اصلاحات در توقیف ماند تا در نهایت پس از نامه تهیه‌کننده (ساداتیان) به رئیس‌جمهور، در سال ۸۸ و پس از ۵ سال در بیست و هشتمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. حاتمی‌کیا برنده سیمرغ فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی برای این فیلم شد و هنگام دریافت جایزه‌اش گفت: این فیلم ساخته شد تا جاودانه بماند. من خوشحال و ممنونم از عزیزانی که باعث این اتفاق شدند. چیزی که باید بگویم این است که «به امثال ما اعتماد کنید».

حاتمی‌کیا «به نام پدر» را در ۱۳۸۴ ساخت. این فیلم از سوی برخی منتقدان عنوان فیلم «ضدجنگ» را گرفت. او اما این اطلاق را نپذیرفت و مانند همیشه بر رویکرد خود که تلنگری به فاصله گرفتن نسل‌ها از یکدیگر بود، تاکید کرد. حاتمی‌کیا برای نخستین‌بار در این فیلم تهیه‌کنندگی را تجربه کرد که بعدها گفت: «تجربه تهیه‌کنندگی بسیار تلخ بود. الان هم از اینکه تهیه‌کننده شدم سخت پشیمانم. من اصلا آدم حساب و کتاب نیستم». سریال دوم حاتمی‌کیا که این‌بار متنش را نیز خودش می‌نویسد در ۱۳۸۵ ساخته می‌شود. حاتمی‌کیا در «حلقه سبز» ژانری متفاوت را تجربه کرد. این سریال در سال بعد از شبکه ۳ سیما به نمایش درآمد. در ۱۳۸۶ نویسندگی و کارگردانی دعوت را انجام می‌دهد؛ تنها اثر اپیزودیک حاتمی‌کیا که باز جلوتر از زمانه خود بود. این فیلم مسأله «سقط جنین» را محوریت قرار می‌دهد و آن را نقد می‌کند. بعد از ماجراهای سال ۸۸، «گزارش یک جشن» را که به نوعی در واکنش به اتفاقات آن سال بود، در سال ۸۹ می‌سازد. «گزارش یک جشن» تنها فیلم ابراهیم حاتمی‌کیاست که هنوز در «توقیف» است. نویسندگی و کارگردانی «چ» در سال انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم (۹۲) و با فضایی مرتبط با روزگار پساروحانی ساخته می‌شود. این فیلم داستان ۲ روز از زندگی مصطفی چمران را طی نبرد پاوه به تصویر می‌کشد. همزمان شدن ساخت این فیلم و آغاز مذاکرات هسته‌ای در دوران جدید از حواشی مربوط به فیلم بود و برخی این فیلم را باز واکنش حاتمی‌کیا به مسائل زمانه خود دانستند. آغاز تولید «بادیگارد»، فیلم بعدی حاتمی‌کیا از سال ۹۳ آغاز می‌شود. این فیلم اولین همکاری ابراهیم حاتمی‌کیا با سازمان هنری رسانه‌ای اوج است؛ اگرچه فیلمنامه و پژوهش آن به اواخر دهه ۸۰ بازمی‌گردد. برخی جنبه‌های انتقادی این فیلم، آغازی بر نقدهای جدی به تغییر ارزشی در ساختار مدیریتی کشور تلقی می‌شد، چرا که برای نخستین‌بار میان شخص و شخصیت نظام تفاوت قائل می‌شد. قابل تامل آنکه حاتمی‌کیا برای کارگردانی این فیلم کاندیدای جشنواره فجر سی‌وچهارم نشد. دومین همکاری ابراهیم حاتمی‌کیا با سازمان هنری رسانه‌ای اوج، به یکی از استراتژیک‌ترین مسائل روز ایران می‌پرداخت؛ مسأله‌ای که حتی یک اثر نمایشی موفق پیرامون آن ساخته نشده بود و حاتمی‌کیا باز از منظر اهمیت معاصرت و بیدار کردن ناخودآگاه جامعه، مسؤولیت آن را برعهده گرفت و فیلمی درباره ماجرای سوریه ساخت. «به وقت شام» محصول ۱۳۹۶ که به یکی از پرفروش‌ترین‌های سال بعد نیز تبدیل شد. «خروج» حاتمی‌کیا بیستمین فیلم بلند سینمایی او و سومین همکاری‌اش با سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که رویکردی کاملا اعتراضی به نوع مواجهه حکومت با اعتراض‌ها دارد. «خروج» را می‌توان نمونه موفق دیگری در «مساله‌محوری» و «دغدغه‌مندی» حاتمی‌کیا تلقی کرد که نشانه روشنی از توجه وی به مسائل روز است.

گفت‌وگو

محمد برادران، مدیر جلوه‌های ویژه بصری «خروج» در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

تصاویری خلق کردیم که همه فکر می‌کنند واقعی است

فیلم «خروج» آخرین ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا از آن دست کارهایی است که بسیار به جلوه‌های ویژه بصری وابسته است. بخش اعظمی از فیلم به جلوه‌های ویژه وابسته است که بدون رعایت کامل جزئیات، حاصل کار، فیلم ناقصی بود که جای بازگشت نداشت. به گفته منتقدان، این جلوه‌های ویژه آنقدر طبیعی بود که هیچ‌کس تا پایان فیلم و صحبت برادران، تصور کامپیوتری بودن آن تصاویر را نداشت. «محمد برادران» طراح جلوه‌های ویژه بصری این فیلم یکی از نامزدهای جدی دریافت سیمرغ جلوه‌های ویژه است که در گفت‌وگو با «وطن امروز» از همکاری با حاتمی‌کیا می‌گوید.

***

■ **چطور شد به پروژه «خروج» پیوستید و این همکاری چطور رقم خورد؟**

مواجهه ابتدایی ما با فیلمنامه این فیلم که تقریبا در مراحل پیش‌تولید بود و مردادماه امسال اتفاق افتاد، حاکی از این بود که کار سنگینی در حوزه جلوه‌های ویژه پیش رو داریم. آقای حاتمی‌کیا نیاز به طراحی صحنه به شکل میدانی داشتند و در عین حال با توجه به رویداد فیلمنامه، مواردی همچون حجم زیادی پنبه، یک هلیکوپتر، قطار، سکانس جاده مرگ و از همه اینها مهم‌تر بحث سیلاب از جمله موضوعاتی بود که تیم ما را با یک چالش جدی روبه‌رو می‌کرد. نکته جالب اینکه کسانی که با آقای حاتمی‌کیا سابقه همکاری داشتند، اذعان می‌کردند این فیلم از نظر وابستگی فیلمنامه به تأمین صحنه‌هایی متکی به جلوه‌های ویژه میدانی و رایانه‌ای از همه تجارب قبلی او متفاوت‌تر است و در یک کلام باید بگوییم این فیلم بدون جلوه‌های ویژه آن هم با رعایت کامل جزئیات چیز ناقصی از آب درمی‌آمد. حتی شنیده بودیم مثلا در جریان فیلم «به وقت شام» بعضی از صحنه‌ها که جلوه‌های ویژه آن میسر نبود یا پس از اجرا چندان نظر کارگردان را تأمین نکرده بود، آقای حاتمی‌کیا به حذف پلان یا تغییر آن با پلان جایگزین مبادرت کرده بود اما درباره این کار همان‌طور که گفته شد چون اغلب پلان‌ها مورد استفاده بود لذا بازگشتی وجود نداشت و این فیلم دارای ویژوال سنگینی بود که از همان ابتدا استرس را به تیم اجرایی آن منتقل می‌کرد.

■ **در چه مدت و با چه تعداد نیرو کار جلوه‌های ویژه این فیلم به انجام رسید؟**

از ۱۵ آبان تا ۵ بهمن کار در استودیویی با حضور ۱۵ کارشناس که البته به این تعداد اضافه هم شدند به انجام رسید و ما به لطف خدا توانستیم با حجم بالای روزی ۱۵ ساعت کار، تا حد زیادی به آن اندیشه‌ای که آقای حاتمی‌کیا در ذهن داشت برسیم. اما با همه این زحمت‌ها حالا خوشحالیم که تصاویری را خلق کرده‌ایم که همه فکر می‌کنند واقعی است.

■ **در اجرای این مرحله از چه سطحی از نرم‌افزارهای رایانه‌ای برای اجرای جلوه‌های ویژه استفاده کردید؟**

از همه آنها و از جمله پیشرفته‌ترین آنها که خوشبختانه یا متأسفانه در ایران قابل دسترسی است، چرا که اغلب آنها آمریکایی و بعضا اروپایی هستند. ما حتی در اجرای این مرحله که پلان‌ها اغلب 3D بودند و بعضا کامپوزیت، تا ۱۵ درصد مجبور به کدنویسی برای ایجاد ابزارهای جدید روی برنامه بودیم که به شکل پیش‌فرض روی نرم‌افزار وجود نداشت، لذا از نظر نرم‌افزاری مشکلی نداشتیم ولی اینکه نیرویی بتواند از همه قابلیت‌های آن استفاده کند معضل دیگری بود که ما مجبور شدیم حین کار، مباحث آموزشی به نیروهای خودمان را نیز داشته باشیم.

■ **تا چه اندازه نظر کارگردان و گروه کارگردانی در کار شما دخیل بود؟**

بسیار زیاد، چرا که کار ما زمانی معنا پیدا می‌کرد که بتوانیم نظر آنها را تأمین و خواست‌شان را برآورده کنیم. ما با حدود بالغ بر ۴۸۰ پلان برای انجام جلوه‌های ویژه روبه‌رو بودیم که ۷۰ درصد آنها 3D بود و تازه پس از انجام آن بر روی پلان ممکن بود مورد قبول کارگردان قرار نگیرد و مجبور شویم همه‌چیز را اصلاح یا اجرا کنیم. اما در این روند نظر آقای حاتمی‌کیا و بویژه دستیارشان آقای صالحی بسیار کارساز بود.

■ **و کلام آخر؟**

ممنونم از آقای حاتمی‌کیا و گروه سازنده این فیلم که به ما اعتماد کردند. کار با او تجربه بزرگی برای ما بود، بویژه اینکه جزئیات و خطایی از چشم او دور نمی‌ماند و این موجب شد ما با حساسیت و دقت بیشتری این کار را به سرانجام برسانیم.

نمایی از جلوه‌های ویژه فیلم